

- عجب: خودبینی ۹۶۸.
 عداوت برخاستن: از بین رفتن دشمنی ۷۶۹.
 عدت: ساز و برگ ۹۶، ۵۳۹، ۶۷۴، ۷۲۶، ۸۱۱، ۸۱۹، ۸۹۱، ۹۴۷، ۹۵۶، ۹۵۹، ۱۰۱۶، ۱۰۳۹.
 عدول: شاهدان عادل ۶۲۹.
 عروس: عروسی، نکاح ۷۹۴.
 عرض کردن لشکر: سان دیدن ۶۵۹.
 عرف: آشنا ۷۶۹.
 عزایم: جمع عزیمت، اراده ۱۸۶.
 عزم درست کردن: تصمیم گرفتن ۳۱۰.
 عزیمت: تصمیم، اراده ۲۰۲، ۴۷۵، ۶۰۲، ۶۸۳، ۷۰۷، ۷۱۸، ۷۲۴، ۷۷۲، ۷۹۹، ۱۰۰۹، ۱۰۱۵.
 عز و علا: بزرگ و بلندمرتبه ۷۷۶.
 عشوه: فریب ۵۰، ۵۴، ۱۳۰، ۳۷۷، ۴۰۲، ۶۱۵، ۷۱۰، ۷۳۳، ۷۴۲، ۷۶۳، ۷۸۱، ۸۶۷، ۸۷۰، ۸۸۹، ۹۲۳، ۹۸۱.
 عصابه: سرزند ۸۳۶.
 عصامی: کسی که به نفس خود بیالذ ۶۱۸.
 عطسه: زاده، نتیجه ۴۲۲، ۶۰۶.
 عطلت: بیکاری و بیکارگی ۶۷، ۱۷۰، ۶۶۹.
 عطات: جمع عظمت، پند و موعظت ۸۸۶.
 عظامی: کسی که به عظام (استخوان) پوسیده اجداد تفاخر کند ۶۱۷.
 عظم: عظمت و اهمیت ۴۹۳، ۹۶۵.
 عنج: حوضهای کوچک ۹۶۳.
 عقابین: تشبیه عقاب، دو چوب که مجرمان را بدان بندند ۲۵۲، ۵۴۶، ۶۶۸.
 عتاقیر: جمع عتار، دواهای نباتی، گیاهان دارویی ۱۶۴.
 عقبه: گردنه کوه ۹۱۹.
 عقد گوهر: رشته جواهر ۵۶۲.
 عقد و عهد: قرارداد و پیمان ۱۰۲۷.
 عقیله: مانع و گره در کار ۴۲۴.
 علامت: پرچم ۱۸۲، ۶۰۶، ۷۴۴، ۷۹۸، ۸۳۵، ۹۷۳، ۱۰۰۳، ۱۰۴۶.
 علت: بیماری ۵۵۱، ۷۷۱.
 علف: مطلق آذوقه، چه برای انسان و چه مرکب و حیوان ۶۷۳، ۷۴۲، ۷۶۵، ۷۷۲، ۷۸۶، ۸۳۶، ۸۴۰، ۸۴۴، ۸۴۹، ۸۹۳، ۹۲۰، ۹۲۴، ۹۲۷، ۱۰۴۰.
 علی ای حال: در هر حال ۷۷۳.
 علی حده: جداگانه ۱۰۶۰.
 صماری: محمل، هودج ۳۹۳، ۴۵۵، ۷۵۱، ۹۶۸، ۹۷۹.
 عمال: جمع عامل، کارگزار ۳۹۱، ۸۴۶.
 عمل: شغل دیوانی و حکومتی ۲۲۳، ۴۰۵.
 عمود: گرز ۱۸۲، ۴۵۴، ۶۹۴، ۸۱۸.
 عمود انگیخته: ستون برجسته ۸۱۶.
 عنان باز کشیدن: از حرکت باز ایستادن ۸۷۶.
 عنف: درشتی، شدت، زور ۴۱۳، ۶۹۶، ۸۹۴.
 هتین: مردی که بر جماع قادر نباشد ۸۵۶.
 هوایق: جمع عایقه، مانع‌ها ۳۵.
 عهد و عقد: قرار و پیمان ۱۰۴۰.
 فادری: حيله کاری ۶۰۹.
 فازیان: داوطلبان جهاد با کفار ۵۷.
 فازی: جنگجو ۳۳.

- فاحش: آشکار ۹۶۲.
- فایت شدن: از دست رفتن ۱۶۹.
- فبها و نعم: پس چه خوب و بهتر ۶۹۷.
- فترات: جمع فترت، استسبی، وقفه ۶۲۳، ۶۵۳، ۸۳۱، ۸۴۹، ۹۳۴.
- فترت: استسبی، تعطیل ۱۴۱، ۵۹۳، ۸۳۰، ۹۳۰، ۹۹۱، ۹۸۰.
- فتور: استسبی ۶۵۳.
- فتوی: حکم شرعی ۳۰۸.
- فتی العسکر: جوان رشید لشکر ۷۱۶.
- فحول: جمع فحل، بسیار دانا ۳۳، ۵۴۶، ۵۶۶، ۵۹۱، ۶۱۹.
- فدیه: سربها ۴۸۴.
- فذلک: خلاصه، ماحصل ۴۳، ۵۵۸.
- فرا بریدن: بریده شدن ۶۵۳.
- فراخ مزاح: شوخ طبع ۵۴۳.
- فراخ نبشته: نامه آشکار (در مقابل نامه محرمانه) ۶۰۳.
- فراروی: سرشناس و معروف ۲۸۳، مورد توجه ۷۱۱.
- فراستدن و فراستاندن: قبول کردن و پذیرفتن ۸۷۵، ۱۰۲۰.
- فراکردن: وادار کردن ۳۵۲.
- فرا گذاشتن: رها کردن ۵۲۵.
- فرا نرفت: ممکن نشد ۷۹۴.
- فراستاندن: نپذیرفتن ۵۱۵.
- فروج دادن: گشایش دز کار ایجاد کردن ۶۵۳.
- فاشیه: زین پوش اسب ۵۴۰، ۵۴۲، ۶۱۹.
- فاشیه دار: کسی که زین پوش را روی اسب می نهاد و برمی گرفت ۵۴۳.
- فانم: غنیمت گرفته ۶۶۷.
- فایله: آشوب و ماجراجویی ۳۹۵.
- فبن: زیان ۴۰۹، ۱۰۱۶.
- فغت و سمین: لاغر و چاق ۳۹۹.
- فقدر: خیانت، بی وفایی ۶۵، ۸۸۹، ۹۸۴، ۱۰۳۷.
- فدیور: آبیگر ۶۹۲.
- فتر: فصیح و استوار ۴۴۴، ۵۷۵.
- فتریب: جمع غریب، شگفت انگیز ۵۹۹.
- فخرچه: نامرد، بی حمیت ۵۶۹، ۸۵۱.
- فهور: فریب.
- فهره: اول ماه قمری ۲۲۷، ۳۹۱، ۵۴۴، ۵۹۶، ۶۶۱، ۷۴۵، ۷۶۱، ۷۶۴، ۸۶۱، ۹۰۴، ۹۷۸، ۹۹۳.
- فهره: مغرور ۷۳۶، ۹۶۸.
- فهریم: بدهکار و مدیون ۵۸۱.
- فهریو: فریاد ۸۳۵.
- فوزا: جنگ ۶۰۷.
- فزه: جنگ در راه خدا ۳۳۸، ۷۷۲.
- فضاضت: کم گردیدن مرتبه کسی و بر افتادن از پایه خود ۱۲۷، ۱۵۶، ۲۰۶، ۳۳۹، ۳۵۵، ۹۶۵.
- غلامان وثالی: غلامان دربار سلطان ۷۹۰.
- غلامبارگی: بچه بازی ۶۲۱.
- غلس: تاریکی آخر شب ۶۹.
- غوث: فریادرس ۴۴۷.
- غور: ژرفا، عمق ۷۲.

- قرجی: نوعی قبای بی بند گشاد ۵۵۹
 فرضه: بندر و اسکله ۶۹۹
 فرمان یافتن: مردن ۶۲، ۳۱۱، ۳۷۶، ۴۹۱، ۵۰۷، ۶۰۰، ۶۴۴، ۷۱۷، ۹۷۸، ۱۰۵۳
 فرو بردن: از کار انداختن ۳۵۲، ۶۳۶
 فرود افشودن: نقش بر زمین کردن ۱۹۴
 فرو گرفتن: زندانی کردن ۱۰۳، ۲۷۶، ۳۶۷، ۴۰۶، ۴۲۴، ۴۸۵، ۵۰۹، ۶۰۴، ۱۰۴۲، ۱۰۴۶
 فرو نشستن: ازدواج کردن ۹۷۹
 فرہ منند: با شکوہ ۳۱۹
 فریضہ: واجب ۷۷۷، ۸۲۶
 فریفتکار: فریبکار ۱۰۱
 قزع: ترس ۹۲۲، ۹۴۰، ۹۹۱
 فصل شدن: فیصلہ یافتن ۵۲۷، ۷۵
 فضول: یاوہ گویی (در زبان عربی) ۹۰۳
 فضولی: یاوہ گو ۹۰۳
 فطنت: زیرکی ۱۷۰
 فطیم: از شیر باز گرفته ۵۷۶
 ققاع: آہجو ۶۹۹، ۷۳۹
 فقد: نبودن، گم گشتن ۵۰۴
 نگار: پریشان ۲۳۳
 فوطہ: لنگ و ازار، چادر نگارین ۶۸۹
 قار: تیر ۴۴۰
 قاصد مسرع: پیک شتابندہ ۸۲۶
 قاهر: کوبندہ، فہر کنندہ ۱۵۹، ۴۸۱
 قاپد: پیشوا ۴۸۶
 قہ: گنبد، سلفب برجستہ مذکور ۴۰۷
 قدید: گوشت خشکانیدہ ۱۹۹
 قدیم: بی آغاز، در مقابل حادث ۱۵۷
 قدیم الذہر: روزگار پیشین ۳۷۷، ۶۴۶
 قذف: استفراغ ۱۰۰۵
 قرابہ: شیشہ شکم بزرگ ۱۰۰۴
 قراچورلی: شمشیر ۴۹۱
 قرار گرفتن: تصمیم اتخاذ شدن ۸۸، ۱۲۳، ۳۲۷، ۶۶۹
 قریوس: کوه زین ۹۴۹
 قسورہ: شیربیشہ
 قصب: پارچہ کتان و پارچہ حریر زردوزی شدہ
 ۳۴۸، ۴۰۳، ۴۶۱، ۶۳۱، ۱۰۰۷
 قصبہ: مرکز ایالت ۹۶۴
 قعہ: عرض حال و شکایت نامہ ۴۴۵، ۱۰۰۱
 قضای آمدہ: سرنوشت مقدر ۶۰۰، ۶۰۹، ۶۳۳، ۶۴۳، ۶۶۴، ۶۷۹، ۷۳۵، ۸۲۱، ۹۲۱، ۹۳۷، ۹۷۳
 قفا: پشت سر، در پی کسی رفتن ۴۵۷، ۸۵۹
 قفا: پس گردنی زدن ۸۸۰
 قفا دریدن: بی آبرو کردن ۲۴۲، ۴۲۴، ۴۹۳
 قفا زدن: پس گردنی زدن ۲۴۹
 قفیز: پیمانہ ۳۵۳، ۹۲۷
 قلاع: جمع قلعہ، دژها ۴۳۰
 قلب: ستون وسط لشکر ۷۲۷
 قلم کردن: بریدن ۱۹۵
 قنطرہ: پُل
 قواد: واسطہ شہوترانی دیگران ۶۵۹، ۹۳۳
 قود: اسب بدک ۴۶۳، ۶۷۵
 قودقش: جنیبت کش ۴۳۳
 قوم تفاریق: افراد متفرقہ ۷۴۹
 قیلولہ: خواب نیمروز ۱۸۷

- کار: کارزار، پیکار ۹۴۴، ۹۲۶، ۹۶۴، ۹۹۰.
کارزارگاه: میدان نبرد ۸۲۳.
کارناده: بی تجربه، نآزموده ۸۹۵.
کاره: اکراه دارنده ۲۶۰، ۶۳۹، ۷۲۶، ۸۱۹.
کاسد: کساد و بی رونق ۳۳۸.
کاسه گونه: بی رونق، کساد ۴۳۶.
کاسه پیل: نوعی نقاره ۴۵۵، ۷۴۹.
کافه: عموم ۴۵۱، ۵۷۱، ۶۹۷.
کافی: لایق، با کفایت ۳۹۲، ۶۱۹، ۷۵۰، ۷۷۲، ۸۰۸.
کامه: خامه، پنیر و کشک ۱۹۸.
کتاب: کاتبان ۴۸۱.
کتابه: قداره، شمشیر کوتاه ۶۵۴.
کخال: چشم پزشکی ۳۷۲.
کرانکند: سود نکند و نیرزد ۵۴۸، ۶۸۷.
کرانه شدن: درگذشتن ۸۵۶، ۸۹۸.
کرانه کردن: مُردن ۱۲۵، ۵۳۰.
کرائم: جمع کریمه، زن بزرگ و بزرگزاده ۳۴۰.
کرت: دفعه، مرتبه ۶۳۷.
کریخت: بی حس ۹۴۴.
کردوس: دسته‌یی از سواران و آن راکتیبه نیز گویند ۹۶۴.
کرم عهد: وفادار ماندن به عهد و پیمان ۲۴۳.
کز و فز: جنگ و گریز ۶۹۳، ۷۳۰.
کریم الطرفین: از دو سوی (مادر و پدر) اصیل و بزرگ زاده ۴۳۲.
کژاوه: کجاوه ۳۷۶.
کشخان: بی غیرت ۲۳۳، ۲۵۷.
کشیدن: حرکت کردن ۸۵۲، ۹۲۳.
- گفتات: جمع کافی، فرد کافی و لایق ۶۳۳، ۸۲۴.
گفتار نعمت: جمع کافر نعمت، ناسپاس ۷۰۵.
گفایت کردن: چاره جویی ۷۸۶.
کلاه دو شاخ: کلاهی دو شاخه بمنزله اجازه مخصوص ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۵۴، ۵۵۷، ۶۵۲، ۷۴۰، ۸۱۷، ۹۱۷.
کلمات ثقات: سخنان کامل و تمام ۴۸۲.
کلوخ انداز: کلوخ اندازان، عیش و عشرت اواخر ماه شعبان ۷۵۴.
کمر هزارگانی: کمربند طلائی هزار دیناری ۴۲۷، ۵۶۳.
کمین گشادن: از کمین بیرون آمدن ۹۹۰.
کناغ: کرم ابریشم، تار ابریشم، تار عنکبوت ۴۳۹.
کنام علف: آغل، اصطبل ۸۸۳.
کندوری: سفره و دستار، خوان چرمین ۲۴۷.
کنده: خندق ۸۶۹.
کوازه: تخم نیم برشت و نیم پخته، نیمرو ۷۵۷.
کوت: قلعه ۳۹.
کوتاه گونه: تقریباً مختصر ۴۰۲.
کوتوال: دژدار، نگهبان و رئیس قلعه ۱۱۷، ۱۸۵، ۳۸۲، ۶۴۱، ۶۵۵، ۷۰۱، ۸۲۶، ۸۴۳، ۸۵۴، ۹۷۳، ۹۸۳، ۱۰۱۱.
کور و کبود: خایب و خاسر ۵۲۵.
کوس: طبل ۷۹۸.
کوشش: جنگ و نبرد ۱۰۱۶.
کوشک: قصر ۶۶۲، ۱۰۳۸.
کویه: اطرافیان سلطان ۵۳، ۴۴۵، ۴۵۲، ۵۳۰، ۵۵۷، ۷۸۲، ۸۳۵.
کوه پایه: پایه کوه، دامنه کوه ۳۱۴.

- کید کردن: حیلہ جنگی بہ کار بردن ۵۲۴.
 کیش: تیردان، ترکش ۴۵۵.
 کیش: خیش، پردہ نازک کتانی ۶۲۴، ۶۹۶.
 گاز: قیچی ۵۶۸.
 گام: نوعی از حرکت مرکب ۹۱۹.
 گذارہ کردن: عبور دادن ۶۹۲.
 گریز: ہشیار و دانا ۲۰۹، ۲۱۸، ۳۵۴، ۴۱۹، ۴۳۲، ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۹۴، ۶۷۳، ۸۱۱، ۹۳۵، ۱۰۵۸.
 گردان: کنایہ از افراد قدرتمند ۴۸۵، ۶۸۳، ۷۰۶.
 گردن آور: دلاور ۵۳۳، ۸۷۳.
 گوزن: تاج ۵۸۸.
 گزہ: نوعی افعی دارای سمی مہلک ۵۷۶.
 گرم آشتی کردن: آشتی ظاہری ۱۰۴۶، ۱۰۵۰.
 گرم پرسیدن: بہ گرمی احوالپرسی کردن ۹۲۵.
 گرمگاہ: وقت گرمی ہوا، حوالی ظہر ۶۸۱.
 گز: درختچہیی از ردہ دو لپہ بیہای پیوستہ گلبرگ ۶۶۹.
 گشادنامہ: نامہ سرگشادہ، حکم و اعتبارنامہ ۶۰۳.
 گشتاگشت: گردش کنان ۸۹۹.
 گلیم: پوشش پشمین ۵۷۶.
 گوارش: خوراک و منجون گوارندہ ۵۱۳.
 گوشاگوش افتادن: شایع شدن ۵۳۳.
 گوش داشتن: نگاہ داشتن، مواظبت کردن ۱۱۴، ۷۶۸.
 لابتہ: بناچارہ، ناگزیر ۴۸۷.
 لایل: بل کہ ۵۸۰.
 لاحق: ملحق شونده ۴۷۵.
 لا ولا کرامتہ: و گرامی نمی دارم او را گرامی داشتی ۵۴۸.
 لت: چماق ۲۴۶.
 لت انیان: بی حفاظ، خیمہ و سایبان نداشتن ۹۵۲.
 لت زدن: سیلی زدن ۲۷۶.
 لغتی: اندکی ۱۰۱۸.
 لطایف الحیل: حیلہ های باریک ۱۰۵، ۵۰۷، ۶۳۳، ۱۰۴۰.
 لطف: مہربانی، نیکویی، ملاحظت ۴۴۲.
 لعمری: قسم بہ جان خودم ۱۵۲.
 لقاء: چہرہ، رخسار ۶۱۵.
 لقوہ: فالج و رعشہ ۹۰۷.
 لنگری: قاب غذاخوری بزرگ (شبیہ بہ سینی) ۶۳۲.
 لواحق: جمع لاحق و لاحقہ، پیوستگان ۴۸۱.
 لوک ولنک: آنکہ دست و پایش معیوب باشد ۵۷۵.
 لون: رنگ ۱۰۱۱، ۸۵۷، ۵۹۸.
 ماجد: بزرگ ۵۸۱.
 مآل: فرجام و عاقبت ۱۰۳۴.
 مالش: تنبیہ و مجازات ۴۰۴، ۴۴۲، ۴۸۸، ۷۰۴، ۸۷۴.
 مال ضمان: مالی کہ برای حفظ جان دہندہ ۸۳۰.
 مالیدن: گوشمالی دادن ۱۰۳۴، ۹۳۸.
 ماندن: گذاشتن ۳۱۲، ۱۰۱۳.
 ماہی شیم: ماہی کوچک کہ بر پشت نقطہ های سپید دارد ۵۷۶، ۵۷۸.
 مایہ دار: افراد ذخیرہ و احتیاط لشکر ۸۷۰، ۸۹۶.
 مبرم: اسم فاعل از ابرام، ملالت آور ۴۵، ۶۴۶.

- مبشیر: بشارت دهنده ۸۷۶، ۱۰۵۵.
 مبشیران: مؤده آورندگان ۶۴۶.
 متابع: پیرو ۵۳۰.
 متواید: عبوس و متغیر ۲۲۴، ۴۹۹.
 متسوق: بازار گرم کننده ۵۰۴.
 متظلم: ستم‌دیده، شکایت کننده ۳۹۱، ۴۴۵، ۶۷۹.
 متغلب: چیره شونده، غلبه کننده ۱۵۵، ۹۲۹.
 متنگر: ناشناس ۲۰۵، ۲۱۷، ۷۷۵، ۸۳۱، ۸۶۰.
 متواری: پنهان شده ۶۶، ۳۲۷، ۵۸۰، ۵۹۹، ۶۱۰، ۸۲۴، ۱۰۴۶، ۱۰۵۲.
 متواری جای: مخفی‌گاه، نهانگاه ۷۱۴، ۸۳۲، ۱۰۵۴، ۹۲۰.
 متواری‌گاه: مخفی‌گاه ۶۶۲.
 متوسط: میانجی، پایمرد، واسطه ۷۳۷.
 متهور: بی‌پاک ۸۲۵.
 مثال: دستور، فرمان ۴۴، ۵۸، ۹۶، ۲۳۱، ۲۳۹، ۳۳۹، ۴۵۴، ۴۹۸، ۵۳۷، ۵۶۰، ۵۹۳، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۴۷، ۶۹۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۹، ۷۳۸، ۷۵۱، ۷۵۹، ۷۶۷، ۷۸۱، ۸۰۲، ۹۴۳، ۹۸۸، ۹۸۹، ۱۰۰۲، ۱۰۲۸، ۱۰۴۰، ۱۰۴۵.
 مثالب: جمع «مثالبه»، عیب و آنچه درخور سرزنش است ۱۶۰.
 مثالهای توقیعی: دستوره‌های کتبی ۷۵۱.
 مثبت: ثبت شده ۴۳۵، ۱۰۱۷.
 مثله کردن: بریدن گوش و بینی و اعضاء بدن ۲۹۴، ۵۱۴، ۸۰۱، ۸۳۴، ۸۸۴.
 مجاملت: خوش رفتاری ۱۲۹، ۵۰۰، ۷۰۹، ۷۴۸.
- ۷۶۳، ۷۹۶، ۸۸۹، ۸۹۰، ۱۰۲۵، ۱۰۳۵.
 مجتاز: سالک، گذرنده، رهگذر، مسافر ۱۴۹.
 مجروه: پوست باز کرده ۹۲۷.
 مجلس خانه: مشابه خوانچه ۸۱۵.
 مجلس زرینه: مجلس خانه، ظاهراً شبیه خوانچه بوده است ۸۱۶.
 مجلس مظالم: دیوان دادرسی و رسیدگی به شکایات ۹۹۳، ۱۰۰۱، ۱۰۴۵.
 مجتاز شترسوار، جمازه‌بان ۴۰۰، ۵۶۰، ۷۱۶، ۷۵۵.
 محایا: پروا ۶۹۸، ۹۳۶، ۱۰۲۳.
 محال: خطا، ناروا، بیهوده ۵۲، ۱۳۴، ۳۶۷، ۴۱۵، ۵۱۶، ۵۶۷، ۵۸۸، ۵۹۲، ۶۷۶، ۶۹۶، ۷۱۸، ۷۶۵، ۸۰۲، ۸۰۹، ۹۳۳، ۹۸۶، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۵۳.
 محتال: حيله گر، مکار، گریز ۱۵۱، ۵۱۶.
 محترق: سوزاننده ۸۹۷، ۹۲۶.
 محجّل: اسبی که دست و پای او سفید است ۴۴۵.
 محجم: بازمانده، درمانده از ترس ۵۵.
 محدّث: حدیث و داستان‌گوی ۱۹۷، ۲۰۶، ۷۶۲.
 محضر: شهادتنامه ۶۰، ۳۸۶، ۸۰۹.
 محفور: فرش منسوب به شهر محفور ۶۹، ۶۰۲، ۶۳۲، ۶۹۵.
 محفّه: هودج مانندی که بر دوش حمل کنند ۵۴۰.
 محمل: عماری ۶۳۲.
 مخاذیل: جمع مخذول، خوار شده، فرومایه ۷۹، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۶۵، ۷۱۹.

- مخاطبه معتاد: گفتگوی معمول و مرسوم و به عادت ۵۶۱
- مخذول: خوار شده ۵۴۶، ۶۱۲، ۶۶۲، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۱۹، ۱۰۴۲، ۱۰۵۲
- مخروط: پوست کنده شده، تراشیده ۹۲۷
- مُخیف: سبکیار ۶۸۹، ۷۸۸، ۸۸۲
- مخفف: سبکیار ۵۹، ۴۰۰
- مخلف: آشوبگر، میان به هم زننده ۵۰۶
- مُختر: سرشته ۴۷۵
- مخثث: نامرد ۹۳، ۳۵۴، ۷۰۲
- مخفته: گردن بند ۷۷۱
- مدافعت: درنگی، تکاهل، دفع الوقت ۳۲۶
- مداهنه: چرب‌زیانی ۴۸۲
- مدبر: بدبخت ۶۴۸، ۶۶۳، ۱۰۵۲
- مدروس: کهنه ۵۵، ۱۶۸، ۵۱۲، ۵۱۹، ۵۷۰، ۵۸۱، ۶۲۶، ۷۱۸
- مذکوران و منظوران: اشخاص قابل ذکر و مورد توجه پادشاه ۹۵۰
- مراغه کردن: در خاک و چمن غلتیدن ۲۴۹
- مُرایی: ریاکار ۷۷۵
- مرتبه‌دار: مأمور تشریفات ۵۷، ۳۵۹، ۶۴۵، ۷۶۷، ۸۱۸
- مُرُقع: والا، گران قیمت ۲۲۴، ۵۶۰
- مردم تفاریق: افراد متفرقه ۸۵۰
- مُرُشع: تربیت شده ۴۴۱
- مرصع: زربفت، ۳۵۹، جواهر نشان ۹۷۲
- مرغ دل: ترسو ۲۹۱
- مرکب چوبین: تابوت ۲۷۸، ۵۶۷
- مزعفر: زعفرانی رنگ، زرد رنگ ۲۶۳
- مزغی و معدل: آنکه عدول را تزکیه کند ۲۷۲
- مزمله: خُمه‌ها و کوزه‌های بزرگ ۱۸۷
- مسابقت: پیشی گرفتن ۶۱۱
- مسامحت کردن: آسان گرفتن ۶۵۸
- مسهمت: انبازی، شرکت ۹۶۰
- مسبوق: مؤخر ۱۴۹
- مستأصل: از بیخ برکنده، بیچاره و آواره ۶۲۵، ۱۰۴۷
- مستاکله: خورندگان مال مردم ۸۶۳
- مستامن: امان خواسته ۶۸۴، ۷۰۵
- مستبد به رای: خودرای ۱۰۱۶
- مستحث: محصل مالیات ۲۴۳، ۶۶۲
- مستحل: حلال دارنده، حلال کننده حرام ۲۶۸
- مستحیل: امری که محال و ناممکن باشد ۷۶۵
- مستخرج: بیرون آورنده ۵۲۷، ۶۹۶
- مستخف: خفیف کننده ۹۷۶
- مستضعف: ضعیف و ناتوان ۶۵۰
- مستظهر: پشت‌گرم ۴۲۲، ۶۷۰، ۶۸۶، ۸۲۶
- مستعملات: از پارچه‌های معمول و مورد استعمال ۵۰
- مستقل: دارای غله، ملک اجاره‌یی ۸۱۵، ۸۳۳
- مستوحش: وحشت زده ۱۳۶
- مستوفز: کسی که هنوز نیم‌خیز است و بر پای نایستاده ۱۴۷
- مستوفی: مُحاسب دولتی و مُحاسب مالیاتی ۷۵۵
- مُسته: طعمه مرغان شکاری ۱۱۲
- مُستی: گله و شکایت ۹۱۲
- مُسرع: تندرو، قاصد سریع ۳۷، ۷۳، ۳۳۳، ۳۹۶

- مشغول بودن: درگیری ۱۵۲.
- مشغول دل: نگران، آشفته دل ۳۷۱، ۶۳۹، ۷۲۰، ۸۵۸، ۸۲۰.
- مشکک: مشک آب کوچک ۲۵۶.
- مشهد: محل حضور و شهود ۷۳۹، ۱۰۲۷، ۱۰۳۲.
- مشیت: خواست و اراده ۴۷۴.
- مصادرات: جمع مصادره، گرفتن مال کسی ۴۲۹، ۸۸۸.
- مصافات: دوستی پاک و خالص ۹۶۰.
- مصحف: قرآن مجید ۶۹۹.
- مُصیر: اصرار کننده ۸۵۳.
- مُصْرَح: به صراحت، آشکار ۱۲۸، ۱۲۲، ۶۷۷، ۷۶۳، ۸۳۸، ۱۰۴۱.
- مصطنع: برکشنده پرورنده ۷۰۵.
- مضایق: تنگناها، گذرگاههای تنگ ۱۷۷، ۶۹۲، ۶۹۳، ۸۳۰، ۸۳۱، ۹۵۶.
- مضبوط شدن: نگهداری و نظم پیدا کردن ۶۵۱.
- مضحک: مسخره گر ۱۰۰۵.
- مُضْرَب: سخن چین، میان به هم زننده ۳۳۸، ۳۴۳، ۵۰۲، ۵۲۴، ۶۰۹، ۱۰۴۵.
- مُضْمِن: تضمین شده ۹۷۲.
- مضیق: تنگنا ۳۸۹.
- مطارحه: مشاوره، نظرخواهی ۶۷۵.
- مطاع: اطاعت شده ۳۳۰، ۷۰۶.
- مطالبت کردن: بازپرسی کردن ۷۹۵.
- مطاوحت: فرمان بردن، اطاعت کردن ۲۱۰.
- مطاولت: طولانی کردن ۷۳۰.
- مطرده: نیزه کوچک ۷۴، ۱۰۰۳.
- ۴۹۸، ۵۲۰، ۵۶۱، ۶۰۸، ۷۹۶، ۹۸۱.
- مُسکیت: خاموش کننده، قانع کننده ۱۰۳۳.
- مسمار: میخ ۴۳۷.
- مسئله‌های خلافی: سؤال و پرسش‌های مربوط به «علم خلاف»، «خلاف» علمی که در آن از کیفیت ایراد حجج شرعی و نارسایی دلائلی که همساز نیستند بحث می‌شود ۳۲۹.
- مشار: مورد اشاره و مشورت ۴۴۲.
- مشافهات: جمع مشافهه، رو در رو سخن گفتن. در تاریخ بیهقی مشافهه به معنای دستورهای کتبی است که به سفیران داده می‌شد که بدانند در مذاکرات با محل مأموریت خود چه بگویند ۵۶۶، ۷۶۹، ۹۵۶، ۹۷۹.
- مشافهه: (رک: مشافهات) ۲۵۵، ۳۰۷، ۳۳۱، ۵۹۲، ۷۲۳، ۷۳۵، ۷۸۸، ۸۱۳، ۸۲۳، ۹۳۴.
- مُشاهد: ناظر ۴۵۶، ۵۲۶.
- مشاهدت: به دیده تأمل نگرستن، مشاورت ۷۲۷، ۸۹۲، ۹۸۱.
- مشاوه: حقوق و مقرری ماهانه ۳۲۷، ۳۸۷، ۴۳۱، ۴۸۷.
- مُشَبَّح: سیر و پُر و مفصل ۱۴۲، ۱۹۸، ۴۴۶، ۶۷۷، ۷۰۴، ۸۲۴، ۸۸۶، ۹۰۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲.
- مشحون: پُر ۷۵۹.
- مشربه: ظرف آشامیدنی دسته‌دار ۴۳۴.
- مُشْرَح: مفصل، مشروح ۵۳۵.
- مُشْرِف: ناظر، مراقب ۱۰۷، ۱۸۸، ۳۸۲، ۳۹۹، ۴۹۸، ۵۱۳، ۶۰۸، ۷۲۳، ۷۳۴، ۹۸۳.
- مشغله کردن: قال و مقال کردن ۶۰۵.

- مطوّعه: داوطلبان جهاد با کفار ۵۷.
 معقول: طولانی، زیاد، وافر ۳۰۴، ۸۸۷.
 مظالم: مخفف دیوان مظالم، اداره دادگستری
 دادگاه، ۲۲۱، ۴۴۵، ۵۴۳، ۶۵۵، ۹۸۳.
 معالی: جمع معلاة، بلندبها ۱۶۸، ۵۸۱، ۹۰۹.
 معالیق: جمع معلاق، آویزه‌ها ۸۱۸.
 معاملات‌دان: اهل حساب و کتاب و منطق ۵۶۵.
 معاینه: یا چشم دیدن ۱۰۲۰.
 معتمد: مورد اعتماد و وثوق ۴۸۵، ۱۰۱۸.
 مُقدّم: آماده ۴۱۱، ۸۱۹.
 معركة: میدان جنگ ۵۲۷.
 معلاق: چنگک ۴۵۴.
 معنّا: نامه رمزی ۵۰۹، ۵۲۱، ۶۶۳، ۹۷۹، ۹۸۸.
 ۱۰۵۲، ۹۹۸.
 معمور: آبادان ۶۹۷.
 معونت: یاری ۱۸۵، ۲۴۵، ۷۹۳، ۹۵۶.
 مغالصة: ناگهانی ۱۷۵، ۴۱۶، ۶۳۷، ۶۴۱، ۸۱۰.
 ۸۵۷، ۸۹۴، ۹۳۹، ۹۷۸، ۹۸۲، ۱۰۳۱.
 ۱۰۴۳، ۱۰۴۸، ۱۰۵۶.
 مغالبت: چیرگی، غلبه ۳۰۱.
 مغالطه: غلط در سخن افکندن ۹۸۶.
 مغایظه: خشم و غیظ ۶۰۷، ۶۳۰.
 میغفر: کلامخود ۲۹۵.
 مُغلظ: غلیظ و شدید ۱۶۶.
 مُغنی: رامشگر، خنیاگر ۱۰۲۴.
 مفرّ: گریزگاه ۴۷۲.
 مقوض: از مصدر تفویض، واگذاردن ۱۶۳، ۳۵۶.
 ۵۶۱، ۷۲۷، ۷۳۴، ۷۳۹، ۹۶۷، ۹۹۸.
 مقایح: جمع مقیح، زشنی ۱۶۴.
 مقاربت: نزدیکی ۷۹۶.
 مقارعت: واگوفتن دلیران یکدیگر را ۹۶۲.
 مقاصات: دور شدن ۴۱۳.
 مقاطعه: مقاطعه دادن مالیات ۷۷۰.
 مُقام: اقامت کردن ۷۰۴، ۷۷۷، ۸۵۹.
 مقامه: سرگذشت ۴۵۰.
 مقبول القول: کسی که سخنش قابل قبول است
 ۴۱۷، ۵۹۲، ۱۰۴۹.
 مقت: دشمنی ۴۰۵.
 مقدم: پیشرو، سردسته، سرکرده ۱۷۷، ۷۳۵.
 ۹۲۰، ۹۳۱، ۹۴۳، ۹۴۶، ۹۸۳، ۱۰۳۱.
 مقدمه: صف مقدم لشکر ۶۹۴.
 مقدمی: سرداری ۷۸۹.
 مقررّه: تازیانه ۴۵۸.
 مقرمط: نیک و باریک نبشتن ۲۲۶، ۱۰۰۱.
 مقود: افسار و پالهنگ ۵۵۷.
 مقهور: کوبیده، سرکوب شده ۱۷۸.
 مکابره: معارضه، ستیزه ۶۶۲.
 مکاشفت: دشمنی، منازعت آشکار ۱۲۹، ۲۵۰.
 ۷۰۹، ۷۶۹، ۷۹۶، ۸۱۱، ۸۶۳، ۸۸۰، ۸۸۹.
 ۹۶۱، ۹۷۶.
 مکاوحت: دشمنی و مخالفت ۲۸۹.
 مکتبه: سرپوش ۲۹۰.
 مکرمت: بزرگواری و نیکی ۲۸۴.
 مُکَلَّل: زیور یافته ۷۹۲، ۸۱۶.
 ملاطفات: جمع ملاطفه، که به دو معنا به کار
 رفته: نیکویی کردن و نامه کوچک که حاوی
 خلاصه مطالب باشد ۳۳۵، ۱۰۲۴.
 ملاطفات: جمع ملطفه، نامه‌ها ۱۰۲۴.

- ملاهی: جمع مله‌ی، لهر و بازی ۸۲۸.
- ملجأ: پناهگاه ۴۷۱.
- ملحَم: نوعی پارچه که تار آن ابریشم است ۵۴۱، ۸۳۶، ۹۸۵.
- ملطفه: نامه کوچک ۳۶، ۶۱، ۴۸۶، ۶۰۲، ۶۳۸، ۷۲۷، ۷۹۵، ۸۲۶، ۹۲۳، ۹۴۰، ۹۸۹، ۱۰۴۸.
- ملون: رنگارنگ ۶۳۱.
- ممالحت: نمک خوارگی ۳۹۲، ۷۳۴، ۹۰۰، ۹۰۶.
- ممتحن: رنج‌یافته، محنت کشیده ۵۷۱.
- ممنوع: بهره‌ور، بهره‌مند ۴۰۶.
- مفقوت: مفروض و دشمن داشته ۴۰۵.
- متمکن: صاحب تمکین ۶۳۷.
- منابر: جمع منبر، مجازاً به معنی مسجد ۱۰۱۷.
- منادی حق: پیک اجل ۱۲۵.
- مناسک: جمع منسک، آداب و اعمال و اوراد حج ۷۷۵.
- مناصحت: خیرخواهی ۳۳۴.
- مناقشه: سختگیری کردن بر کسی ۹۰۴.
- مناقله: دزدیدن ستور ۷۰۷.
- منجوق: ماهچه قلم و بیرق ۲۲۷، ۴۲۹، ۶۱۷، ۷۲۸.
- منعت: بخشش و عطا ۳۶.
- منخزل: منقطع، بیریده، یا تبختر رونده ۵۰۵.
- مندوری: اندوهناکی، غمناکی ۶۵۶.
- منشور توقیعی: نامه‌های دولتی که سرش بسته نباشد ۴۳.
- منشور: حکم، فرمان ۳۸۷، ۵۲۷، ۵۶۰، ۶۲۲.
- ۶۵۳
- منظور: مورد نظر، مورد توجه ۵۷۵.
- منقص: تیره گرداننده ۶۳۲.
- منقاد: مطیع.
- منقرس: مبتلا به بیماری نقرس (درد پا) ۱۶۷.
- منهزم: شکست خورده ۱۶۰، ۵۷۸.
- منهیی: خبیرگزار، جاسوس ۴۶۳، ۵۱۶، ۵۲۴، ۵۴۲، ۶۲۵، ۶۵۱، ۶۶۴، ۷۱۸، ۷۲۴، ۷۲۸، ۷۲۶، ۷۳۸، ۷۴۳، ۷۹۷، ۸۲۲، ۸۶۲، ۸۷۸، ۹۴۰، ۹۴۲، ۹۵۴، ۹۸۹، ۱۰۳۴، ۱۰۴۷.
- مواجر: مزدور ۹۸۸.
- مواضعات: قراردادها ۲۲۹.
- مواضعه: قرارداد ۲۰۲، ۲۳۲، ۲۶۲، ۳۰۵، ۳۸۶، ۴۱۹، ۴۲۸، ۵۶۳، ۵۹۰، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۶۶، ۷۴۷، ۷۵۷، ۷۷۱، ۷۸۱، ۷۹۹، ۸۸۸، ۸۹۵، ۹۸۸، ۹۹۵، ۱۰۴۰.
- مواكب: جمع موكب، گروههایی که همراه پادشاه بودند ۸۹۲، ۸۹۶.
- مواهب: جمع موهبت، بخشش ۹۶۶.
- موجب الشکر: لازم کننده سپاس ۵۹۲.
- مؤقب: تربیت کننده ۴۲۹، ۷۳۸.
- موزة تمدین: کفش تمدی، چارق ۸۳۶.
- موزة ننگ ساق: چکمه ساقه کوتاه ۹۵۳.
- موزة: کفش و چکمه ۱۰۰۷.
- موشع: زینت شده، آراسته ۷۹۲.
- موقع: منزلت، مکانت ۴۵۹.
- موقوف نمودن: بازداشت کردن ۳۴، ۷۷، ۲۳۳، ۳۴۷، ۴۲۱، ۴۹۹، ۶۲۲، ۱۰۴۳.

- موکب: گروه سوار و پیاده در التزام رکاب شاه
۴۲۳
- موگد: تأکید شده، استوار گشته ۱۰۲۷.
- موگل: مأمور و نگهبان ۸۹۵
- مولا: از اضداد، سرور، خدمتکار ۹۲۱.
- موہبت: بخشش ۴۷۲.
- موی باز کردن: تراشیدن و اصلاح کردن مو ۷۱۷.
- مہادات: ہدیہ دادن بہ یکدیگر ۱۰۲۴، ۳۳۵.
- منہد: ہودج ۱۱۸، ۲۴۸، ۳۷۲، ۳۹۳، ۳۹۷.
- ۴۲۸، ۴۲۴، ۵۳۲، ۵۶۶، ۵۹۰، ۶۳۱، ۶۳۲.
- ۶۴۳، ۶۹۳، ۷۹۴، ۸۷۴، ۹۲۳، ۹۷۳.
- ۱۰۵۳
- مہتات: کارہای مہم ۷۰۰، ۸۰۰.
- مہمل ماندن: بیکارہ و بی فایدہ گشتن ۱۲۹.
- میان بستن: ہمت کردن ۱۰۵.
- میانہ کردن: گریختن، فرار کردن ۶۹۳.
- میرہ: خواربار ۹۷۲.
- میسرہ: ستون طرف چپ لشکر ۷۲۷.
- میعاد: وعدہ و جای وعدہ ۷۹۵.
- میل کشیدن: میلہ در چشم فرو کردن ۹۷۷.
- میمنہ و میسرہ: طرف راست و طرف چپ لشکر
۵۲۵، ۵۳۲، ۷۲۷.
- نابیوسان: طمع نکرده، غیرمنتظر ۷۳۶، ۸۵۶.
- ناجم: عاصی، طاغی، خروج کنندہ ۶۲۸، ۸۹۲.
- ناچغ: نوعی تبریزین ۱۹۴، ۴۹۶، ۶۸۱، ۷۰۵.
- ۷۱۵، ۱۰۵۳.
- نساچیز: نابود ۱۵۷، ۵۷۳، ۶۳۴، ۸۷۹، ۹۹۱.
- ۷۵۰
- ناحفاظی: بی شرمی، بی عفتی ۶۲۱.
- ناحق شناسان: حق ناشناسان ۷۰۵.
- نادرہ: کمیاب ۱۵۶، ۲۴۸، ۸۵۶.
- نازل: پست ۷۰.
- نافہ مشک: کیسہ مشک ۸۱۷.
- ناقہ و جمل در کاری داشتن: کتابہ از سود داشتن
و دخالت کردن ۴۹۸.
- نالان: بیمار ۶۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۳۴۶، ۴۴۸، ۵۴۶.
- ۵۵۶، ۶۷۳، ۷۹۹، ۸۰۵.
- نام گرفتن: مشہور شدن ۶۱۷، ۷۱۵.
- نام نہادن: لقب و سمت دادن ۱۴۱.
- نامہ توقیعی: نامہ دستخطی سلطان ۶۱، ۷۷۲.
- نامہ مشافہہ: دستورہایی کہ برای سفیر
می نوشتند (رک: مشافہات) ۷۴۸.
- نایی: نی زن ۷۵۸.
- نیاید: مبدا ۱۴۱ (و صفحاتی دیگر)
- نبدنبد: اندک اندک ۷۰۴.
- نيسہ: نوبہ ۲۲۱، ۵۴۸، ۵۵۵، ۸۳۶.
- نبتوت: دوری و اعراض کردن و تجنب از کسی
داشتن ۲۱۰.
- نہایستن: معطل نشدن ۱۸۰.
- نثار: سگہ یا گل کہ بہ پای کسی بریزند ۸۴، ۶۹۶.
- نجومی: پیشگو ۷۲۶.
- ندما: جمع ندیم، ہمدم ۴۹۰، ۹۴۸.
- نرم و درشت: آسودگی و سختی ۹۶۰، ۷۸۵.
- نزل: آنچه نزد مہمان آورند ۸۳، ۳۹۲، ۵۵۷.
- ۵۶۳، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۶۲، ۸۳۶، ۸۸۷.
- نژہ: مصفا، باصفا ۶۸۴.
- نسخت شمار: برگہی صورت حساب ۱۹۹.
- نسخت کردن: فہرست تہیہ کردن، پیش نویس

- نوشتن ۴۱۲، ۷۴۰، ۸۳۸، ۹۵۷، ۹۹۷.
 نشق: روش ۷۵۶.
 نشاط کردن: عزم، تصمیم گرفتن ۶۰۳، ۷۱۰.
 نشانیدن: معزول کردن، زندانی کردن ۳۹۸، ۴۹۷،
 ۵۰۶، ۵۱۴، ۸۹۵، ۹۸۳، ۹۸۵، ۱۰۵۷.
 نشانده آمدن: از کار برکنار شدن ۱۰۴.
 نشر: پراگندن ۵۱۱.
 نص: صریح و آشکار ۴۷۶.
 نصیحت: خیرخواهی ۱۱۰، ۴۸۰، ۵۹۲.
 نطع: سفره چرمی ۲۶۹.
 نعت: جمع نعت، وصف ۵۱، ۸۳، ۸۶.
 نفس آرزو: نفس بهیمی، آثاره ۱۵۸.
 نفس خشم گیرنده: نفس سبعی، لؤامه ۱۵۸.
 نفس گوینده: نفس ناطقه ۱۵۸.
 نفقات: مخارج ۳۷۶، ۶۳۵.
 نفیر: ناله و فریاد ۸۴۵، ۸۶۱، ۸۷۹، ۹۲۴.
 نقابت: رئیس و نقیب قوم شدن ۱۷۵.
 نقرس: بیماری مزمن مفصل شست پا ۸۷۲.
 نقش بنشست: نقشه‌یی که برای او کشیده بود بهم
 خورد ۵۲۹.
 نعمت: معایبه، انتقام ۶۷، ۴۷۴.
 نقیب: سردار لشکر ۴۱، ۳۶۲، ۴۰۰، ۴۰۱، ۵۳۲،
 ۶۷۹، ۸۳۶، ۸۶۲، ۹۳۶.
 نکایت: اثری تمام کردن در دشمنان به قتل یا
 جرح ۸۸۷، ۸۹۰.
 نکت: جمع نکته ۱۵۸، ۴۳۱، ۷۷۰، ۹۲۲.
 نماز پیشین: نماز ظهر، وقت نماز ظهر ۷۷۲،
 ۸۷۱، ۹۵۰، ۹۸۳، ۱۰۱۱، ۱۰۵۸.
 نماز خفتن: نماز عشاء، وقت نماز عشاء ۸۴۳.
 نماز دیگر: نماز عصر، وقت نماز عصر ۴۷، ۶۶۳،
 ۷۴۷، ۷۷۶، ۸۶۹، ۹۴۴، ۹۵۲.
 نماز شام: نماز غروب، وقت نماز مغرب ۹۲۰.
 نقطه: روش ۱۲۴، ۳۲۲، ۷۴۸، ۷۹۸، ۱۰۱۲.
 نواخت: نوازش ۹۴۶.
 نوادر: جمع نادره، چیزهای کمیاب ۵۹۹، ۷۰۵،
 ۱۰۱۵.
 نوآمده: افراد تازه و جدید ۷۱۴.
 نوآیین: تازه کار ۹۵.
 نوباره: میوه نوبر ۲۹۰.
 نوبت: عهد و دوره ۵۳۰.
 نوبت داشتن: حفظ الغیب کردن، دفاع از کسی در
 غیاب او ۱۲۶، ۱۴۰.
 نوبتی: سرباز و نگهبان کشیک، چادر ۶۹، ۵۹۷،
 ۶۷۱.
 نوبتیان: نگهبانان و قراولان نوبتی ۲۴۱.
 نوشتن: نوردیدن ۲۵۱.
 نهادن: قرار گذاشتن ۱۸۹، ۶۴۹.
 نهادنی: قرارداد ۱۲۳، ۴۵۹، ۹۶۶.
 نهاله جای: کمینگاه صیادان ۷۹۰.
 نهالی: تشک، بستر ۱۷۵.
 نهج: روش ۴۷۳.
 نهمار: بزرگی و شگفت ۴۳۹.
 نهمت: حاجت و مراد و آرزو ۳۵، ۵۸.
 نیز: دیگر ۸۰، ۱۲۱، ۴۰۴، ۵۸۸، ۶۹۶، ۷۷۰،
 ۷۸۵، ۹۲۷، ۱۰۴۴.
 نیست همتا: بی‌همتا ۱۳۷، ۱۶۳.
 نیم‌ترک: نوعی خیمه کوچک ۵۷، ۱۴۶، ۲۲۱،
 ۳۸۲، ۴۰۱، ۶۹۰، ۶۹۵، ۶۹۷.

- نیم لنگ: خلافت کمان ۴۵۵، ۸۱۸.
 واسطه: مرکز ۹۶۱.
 والی خزمن: رئیس نگهبانان ۶۴۵، ۶۶۱، ۲۸۴.
 وی: و با خیز ۶۷۹.
 وثاق: اطاق ۳۱۹، ۴۵۰، ۵۳۵، ۷۴۵، ۷۵۳، ۹۰۶.
 وثیقت: عهد و پیمان ۸۴۷.
 وجهیه: محبوب و موجه ۷۸۴، ۹۰۰.
 ودیعت: امانت (در تاریخ بیهقی به معنی دختری که خواستگاری شده به کار رفته است) ۵۸۷، ۶۴۳، ۷۶۹.
 وضع و شریف: پست و آبرومند ۷۹۱.
 وظایف: جمع وظیفه، حقوق ۴۳، ۱۷۲.
 وظیفه: مقرری، حقوق، جیره ۵۱۳.
 وفاق: سازگاری ۱۲۵.
 وفد: پیام‌آوری، رسالت ۷۴۷.
 وکیل در: پیشکار، وکیل درگاه ۲۲۴، (و موارد متعدد دیگر).
 ولات: جمع والی، حاکم ۴۳۴، ۴۵۲، ۵۹۹، ۷۴۶.
 ولئ النعم: دارنده نعمت‌ها و دهنده بخششها ۷۰۹.
 وهن: سستی ۵۰۴، ۵۹۱، ۷۳۵.
 هریسه: طعامی از گوشت و حبوب ۱۰۰۳.
 هریوه: طلای خالص، منسوب به هرات ۵۰، ۳۴۱، ۴۴۵.
 هزاهز: جنبش و آشوب ۱۹۲، ۲۳۸، ۳۷۱، ۵۴۶، ۷۶۵، ۶۴۸، ۸۳۲، ۸۶۰، ۹۱۸، ۹۷۸، ۱۰۵۳.
 هزل: شوخی و مزاح ۷۰۶.
 هزیمت: شکست و فرار ۳۲۴، ۵۲۶، ۶۴۸، ۶۹۲، ۷۲۸، ۷۵۵، ۸۱۵، ۸۴۷، ۹۶۶.
 ۱۰۴۱.
 هزیمتی: شکست خورده ۶۹۵، ۷۳۴، ۸۷۴.
 هزیمتیان: شکست خوردگان ۸۰، ۵۲۷.
 هفتصدگانی: هفتصد مثقالی ۲۴۵.
 هلم جرا: به همین نحو ۶۱۷.
 هم: اندوه و غم ۴۷۵.
 همباز: انباز، شریک ۵۱۸.
 همبر: همراه، همدم ۹۴۳.
 هم و ثاقبی: هم اطاقی ۵۶۴.
 هنباز: انباز، شریک ۱۹۷، ۷۲۵، ۷۷۸، ۱۰۴۲.
 هنجار: روش، شیوه معمول ۴۴۳.
 هوا: میل و عشق ۳۲۷.
 هول: ترسناک ۶۹۳، ۷۲۸، ۹۷۵.
 یاران گرفتن: از دیگران خواستن که یاری کنند ۱۳۹.
 یاره: دستبند، دستاور نجن ۵۵۸.
 یاره مرصع: دستبند جواهرنشان ۵۶۰.
 یاقوت رُمّانی: یاقوت بسیار سرخ ۸۱۷.
 یال برکشیدن: بلندقامت شدن، رشد کردن ۱۶۹.
 یخ بند: یخ بندان ۷۶۵.
 یشم: یکی از گونه‌های عقیق که دارای رنگ دودی مایل به سفید است ۴۴۴، ۸۵۱.
 یک راه: یک بار ۱۰۲۵.
 یکرویه شدن: یکسره شدن ۸۸.
 یکسواره: مردم بی مال و ثروت (نظیر یک لاقبا) ۴۱۲.
 یکسواره: یکه‌تاز، سوارزیده ۵۳۱، ۹۳۵، ۷۱۳، ۹۶۱.
 یگانه بودن: بی‌همتا بودن ۱۵۰.
 یله کردن: رها کردن ۹۲، ۳۲۱، ۴۱۰، ۶۹۵، ۷۰۸.
 ۱۰۰۱، ۷۲۲، ۸۳۷، ۹۸۹.
 یواقیت: جمع مکسر یاقوت ۶۰۰.

فهرست مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تاریخ بیهقی، طبع ادیب پیشاوری، چاپ سنگی، تهران ۱۳۰۷ هجری قمری
- ۳- تاریخ بیهقی، تصحیح و طبع: دکتر غنی، دکتر قیاض، تهران ۱۳۲۴ هجری شمسی
- ۴- تاریخ بیهقی، با حواشی دکتر قیاض، انتشارات دانشگاه مشهد ۱۳۵۰ هجری شمسی
- ۵- تاریخ بیهقی، با حواشی دکتر خطیب رهبر، انتشارات سعدی، تهران ۱۳۶۸.ش
- ۶- یادنامه بیهقی، مجموعه سخنرانیهای کنگره بیهقی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰.ش
- ۷- پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیایی تاریخ بیهقی، دکتر سید احمد حسینی کازرونی، انتشارات آیات تهران، ۱۳۷۴.ش
- ۸- احادیث مشنوی، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۷.ش
- ۹- اخلاق ناصری، مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶.ش
- ۱۰- اصطلاحات دیوانی دوره فزنوی و سلجوقی، دکتر حسن انوری، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۵.ش
- ۱۱- اعلام قرآن، دکتر محمد خزائلی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۰.ش
- ۱۲- التفهیم، ابوریحان بیرونی، استاد جلال‌الدین همایی، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.ش
- ۱۳- الوزراء والکتاب جهشیاری، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، ناشر مؤلف، ۱۳۴۸.ش

- ۱۴ - امثال و حکم دہخدا، علامہ دہخدا، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۲ ش.
- ۱۵ - بدیع الزمان ہمدانی و مقامات نویسی، علی رضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۶ - برہان قاطع، بہ اہتمام و حواشی دکتر معین، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
- ۱۷ - تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح اللہ صفا، انتشارات ابن سینا، چاپ ششم، ۱۳۴۷ ش.
- ۱۸ - تاریخ بلعی، بہ تصحیح مرحوم ملک الشعراء بہار، بہ کوشش محمد پروین گنابادی، انتشارات زوار، ۱۳۵۳ ش.
- ۱۹ - تاریخ بیہقی، بہ تصحیح و تعلیقات احمد بہمنیار، انتشارات فروغی، چاپ دوم، بی تا.
- ۲۰ - تاریخ سیستان، بہ تصحیح ملک الشعراء بہار، مؤسسہ خاور، چاپ دوم، ۱۳۵۲ ش.
- ۲۱ - تاریخ طبری، ترجمہ ابوالقاسم پایندہ، انتشارات بنیاد فرہنگ ایران، ۱۳۵۲ ش.
- ۲۲ - تاریخ گردیزی، بہ تصحیح عبدالحمی حبیبی، ناشر: دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
- ۲۳ - تاریخ مغول، عباس اقبال، انتشارات امیرکبیر، چاپ چہارم، ۱۳۵۶ ش.
- ۲۴ - تحفہ، بہ اہتمام محمدتقی دانش پزوہ، بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب، ۱۳۴۱ ش.
- ۲۵ - تذکرہ جغرافیای تاریخی ایران، بارتولد، ترجمہ حمزہ سردادورہ، چاپ دوم، انتشارات توس، ۱۳۵۸ ش.
- ۲۶ - تعلیقات بر حدود العالم، دکتر میراحمدی، دکتر ورہرام، دانشگاہ الزہراء، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۷ - جغرافیای تاریخی سرزمینہای خلافت شرقی، لسترنج، ترجمہ: محمود عرفان. بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب، ۱۳۳۷ ش.
- ۲۸ - چہار مقالہ نظامی عروضی سمرقندی، با حواشی دکتر معین، انتشارات زوار، ۱۳۳۳ ش.
- ۲۹ - حافظ نامہ، بہاء الدین خرمشاہی، انتشارات علمی و فرہنگی، ۱۳۶۷ ش.
- ۳۰ - حدود العالم، بہ کوشش دکتر منوچہر ستودہ، کتابخانہ طہوری، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۱ - دائرۃ المعارف فارسی مصاحب، انتشارات فرانکلین، جیبی، ۱۳۴۵ ش.
- ۳۲ - دیوان حافظ، طبع قزوینی، غنی، انتشارات زوار، بی تا.

- ۳۳- دیوان رودکی، با شرح و توضیحات منوچهر دانش‌پژوه، انتشارات توس، ۱۳۷۴. ش.
- ۳۴- دیوان منوچهری، به کوشش دکتر دبیر سیاقی، انتشارات زوار، ۱۳۴۷. ش.
- ۳۵- دیوان ناصر خسرو، به تصحیح کرامت تفنگدار، نشر چکامه، ۱۳۷۴. ش.
- ۳۶- سبک‌شناسی، ملک‌الشعراء بهار، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۳۷. ش.
- ۳۷- سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر نادر وزین‌پور، انتشارات جیبی، ۱۳۵۰. ش.
- ۳۸- شاهنامه فردوسی، طبع دکتر دبیر سیاقی، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۴۴. ش.
- ۳۹- طبقات سلاطین اسلام، لین‌پول، ترجمه عباس اقبال، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۳. ش.
- ۴۰- طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، ناشر انجمن تاریخ افغانستان، کابل، چاپ دوم، ۱۳۴۲. ش.
- ۴۱- فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمد جواد مشکور، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸. ش.
- ۴۲- فرهنگ لغات قرآن، عباس مهرین شوشتری، انتشارات دریا، چاپ دوم، ۱۳۵۳. ش.
- ۴۳- فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰. ش.
- ۴۴- قاموس لغات قرآن، سیدعلی اکبر قرشی، دارالکتب اسلامی، ۱۳۵۲. ش.
- ۴۵- قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر ابوبکر عقیق نیشابوری به کوشش دکتر یحیی مهدوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۴۶- کشف الاسرار میبدی، علی اصغر حکمت، انتشارات ابن‌سینا، چاپ دوم، ۱۳۴۴. ش.
- ۴۷- کلیله و دمنه، با حواشی منوچهر دانش‌پژوه، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۴. ش.
- ۴۸- گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، هاشم رضی، انتشارات فروهر، ۱۳۵۸. ش.
- ۴۹- گزیده اشعار رودکی، دکتر شعار، دکتر انوری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵. ش.
- ۵۰- گزیده تاریخ بیهقی، دکتر دبیر سیاقی، انتشارات جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۶۳. ش.
- ۵۱- گزیده کشف الاسرار میبدی، دکتر انزابی نژاد، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴. ش.
- ۵۲- گنج سخن، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۵. ش.
- ۵۳- لباب‌الالباب عوفی، لباب‌الالباب عوفی، به سعی و اهتمام ادوارد براون طبع لیدن، ۱۹۰۶ م.

- ۵۴- لغت نامه دهخدا، علامه علی اکبر دهخدا، سازمان لغت نامه دهخدا.
- ۵۵- لیلی و معجون نظامی، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، انتشارات علمی، چاپ دوم. بی تا
- ۵۶- مثنوی مولوی، تصحیح نیکلسون، به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳. ش
- ۵۷- مجمع الامثال میدانی، ابوالفضل احمد بن محمد نیشابوری، آستان قدس، ۱۳۶۶. ش
- ۵۸- مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرّخ، کتابفروشی باستان مشهد، ۱۳۴۱. ش
- ۵۹- محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۳۶. ش
- ۶۰- مرصادالعباد، به اهتمام دکتر محمد امین ریاحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲. ش
- ۶۱- معلقات سبع، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات اشرفی، ۱۳۴۵. ش
- ۶۲- مفاتیح العلوم، کاتب خوارزمی، ترجمه حسین خدیو جم، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷. ش
- ۶۳- نسب نامه خلفا و شهریاران، ترجمه و تحشیه دکتر محمد جواد مشکور، انتشارات خیام، ۱۳۵۶. ش
- ۶۴- یادگار (مجله)، عباس اقبال، چاپ دوم، انتشارات خیام، پنج دوره
- ۶۵- در پیرامون تاریخ بیهقی، سعید نفیسی، کتابفروشی فروغی، چاپ دوم، ۱۳۵۲. ش
- ۶۶- بزم آورد، تألیف دکتر عباس زریاب خویی، انتشارات علمی ۱۳۶۸. ش
- ۶۷- دریای گوهر، دکتر مهدی حمیدی. جلد اول، انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۹. ش
- ۶۸- گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. خوارزمی. ۱۳۶۸. ش
- ۶۹- فهرست مقالات فارسی، ایرج افشار. جلد اول تا پنجم. انتشارات جیبی و علمی و فرهنگی
- ۷۰- خراسان بزرگ، دکتر احمد رنجبر. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳. ش

فهرست انتشارات هیرمند

مجموعه تاریخ و فرهنگ ایران

۱. تاریخ ادبیات فارسی
یوگنی ادواردویچ برتلس - ترجمه: سیروس ایزدی چاپ دوم، ۱۳۷۶، زیر چاپ
۲. تاریخ ادبیات فارسی پاره دوم
یوگنی ادواردویچ برتلس - ترجمه: سیروس ایزدی چاپ اول، ۱۳۷۵،
۱۳۰۰ تومان
۳. تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام
دکتر عسکر حقوقی - چاپ اول، ۱۳۷۳، ۲۶۴ صفحه، ۹۵۰ تومان
۴. تاریخ مسجد سلیمان
دانش عباسی شهنی - چاپ اول، ۱۳۷۵، ۵۴۴ صفحه، ۱۳۰۰ تومان
۵. تاریخ و پست در ایران (۱۲۹۷ - ۱۲۶۷ ق)
از صدارات امیرکبیر تا وزارت امین‌الدوله، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۷۶ صفحه،
۶۰۰ تومان
۶. تاریخ و پست در ایران
تمبرهای شیر و خورشیدی اولیه ایران، دکتر فریدون عبدلی فرد، چاپ اول،
۱۳۷۶، زیر چاپ
۷. دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن
دکتر ذبیح‌الله صفا - چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۸۴ صفحه، ۶۰۰ تومان
۸. نامه سرانجام (کلام خزانه)
از کهن‌ترین متون اهل حق (یارسان)، صدیق صفی‌زاده، چاپ اول، ۱۳۷۶،
۶۴۶ صفحه، ۲۵۰۰ تومان
۹. دانشنامه نام‌آوران یارسان (اهل حق)
شرح حال، اصطلاحات عرفانی و نمونه متون اهل حق، صدیقه صفی‌زاده،
چاپ اول، ۱۳۷۶، ۵۲۵ صفحه، ۲۰۰۰ تومان
۱۰. گردان گوران
آهاکوپیان، م. ا. حصارف - ترجمه: سیروس ایزدی، چاپ اول، ۱۳۷۶،
۱۳۲ صفحه
۱۱. ادبیات صوفیانه فارسی
یوگنی ادواردویچ برتلس - ترجمه: سیروس ایزدی، چاپ اول، ۱۳۷۶

۱۲. تاریخ ایران در دوره قاجاریه

آندره واستون - ترجمه: عباسقلی آذری، ویراسته: مهري بهفر، چاپ دوم، ۱۳۷۶

۱۳. تاریخ اشکانیان

دکتر مهرداد بهار، چاپ اول، ۱۳۷۶

۱۴. نظمیة در دوره پهلوی

خاطرات سرلشکر بازنشسته یحیی افتخارزاده، چاپ اول، ۱۳۷۶

۱۵. مزدپرستی در ایران باستان

آرتور کریستن سن - ترجمه: دکتر ذبیح‌الله صفا، (زیر چاپ)

۱۶. فراماسونری و جمعیت‌های سوری در ایران

ابراهیم صادقی‌نیا، چاپ اول، ۱۳۷۶، (زیر چاپ)

۱۷. نفت ایران از آغاز تا جنگ خلیج فارس

ابراهیم صادقی‌نیا، چاپ اول، ۱۳۷۶، (زیر چاپ)

کتابهای مرجع

۱. فرهنگ کامپیوتر (انگلیسی، فارسی)

چارلز سیبل - ترجمه: مینو میرزا صادقی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، قطع رقی، ۱۶۰ صفحه

۲. فرهنگ کامپیوتر (انگلیسی)

چالز سیبل - چاپ اول، ۱۳۶۶، قطع جیبی، (نایاب)

۳. فرهنگ کامپیوتر (محاسبات)

Dictionary of Computing

از دانشگاه آکسفورد - چاپ دوم، ۱۳۶۷، قطع وزیری، ۳۹۰ صفحه (نایاب)

۴. فرهنگ اصطلاحات متداول انگلیسی

از دانشگاه آکسفورد - چاپ دوم، ۱۳۶۷، قطع رقی، ۴۸۰ صفحه (نایاب)

۵. فرهنگ علوم زیستی (انگلیسی)

چاپ اول، ۱۳۶۶، قطع جیبی، ۲۷۰ صفحه (نایاب)

۶. فرهنگ مقدماتی آکسفورد

قطع جیبی، ۳۰۴ صفحه، چاپ اول

۷. فرهنگ میکروالکترونیک

چاپ اول، ۱۳۶۶، قطع جیبی، ۲۱۸ صفحه (نایاب)

